

مردم بم را زلزله قتل عام نکرد! داستان دیگری نیز در کار بودند!

گزیده ای از اطلاعیه حزب در مورد زلزله بم 6 دی 1382

حقیقت ارگان حزب کمونیست ایران (م ل م) بهمن 1382

اندوه از دست دادن ده ها هزارتن از اهالی بم قلب مردم سراسر کشور را برد آورده است... مردم اقصی نقاط ایران، مستقل از رژیم و ارگانهای فاسد و دزدش دست به سازماندهی امداد رسانی به مردم بم زده اند. در این واقعه هولناک مردم گوشه ای از اشتیاق و آرزوی خود را برای داشتن جامعه ای که در آن انسانها از طریق تعاون و همکاری بار رنج ها و محنتهای یکدیگر را سبک کنند به نمایش گذاشتند. درود بی پایان بر این مردم. ننگ و نفرت بر مرتجعین ضد مردم...

مردم بم را زلزله قتل عام نکرد. داستان دیگری نیز در کار آفریدن این جنایت بودند که باید رسوای عالم شوند. کشتار ده ها هزار نفری در نتیجه زلزله تنها در کشورهایی رخ می دهد که حکومتها مرتجع، آنرا عقب مانده و در مغاک جهل و فقر نگاه داشته اند... در جریان این فاجعه یکبار دیگر این حقیقت به اثبات رسید که جان مردم برای گردانندگان رژیم پشیزی نمی ارزد. اینان فقط به حفظ قدرت ظالمانه و منافع استثمارگرانه خویش می اندیشند. آنان یک مشت دزدان سرگردنه و قاتلان ضد مردم هستند بنابراین دلیلی ندارد که برای حفاظت از مردم سر کیسه را شل کنند. سرمایه داران گردن کلفت جمهوری اسلامی هرگز سهمی از سودهای عظیمی را که با استثمار این مردم بدست می آورند، برای حفاظت از آنان هزینه نخواهند کرد. مرتجعین حاکم برای حفظ حاکمیت فاسد خود هزینه های نظامی و امنیتی سرسام آور می کنند، زندان می سازند، مامورین امنیتی استخدام و به جاسوسی مردم می گمارند، اما آنجا که حیات و ممت کارگران و دهقانان در میان است، هرگز سر کیسه را شل نمی کنند. مردم بم بعلت موقعیت جغرافیایی خاص آن که روی خط زلزله است، کشتار نشدند. در واقع حاکمیت سیاسی ارتجاعی و نظام اقتصادی استثمارگرانه و حرص و آز طبقات حاکم آنان را قتل عام کرد. هر چند نیروهای مخرب طبیعت نیز همدستان بود. هیچکس اشک تمساح ریختن خاتمی، این رئیس جمهور مردم فریب و منفور را باور نکرد... رئیس جمهور رژیمی که سرپایش را زد، فساد و ارتشاء گرفته، رژیمی که در واقع مجموعه ای از شبکه های بدنام غارت و احتکار و قاچاق است، رژیمی که مهره های اصلیش حسابهای بانکی خصوصی با مبالغ سرسام آور در بانکهای امپریالیستی دارند و از این بابت شهره عالم اند، چگونه می تواند با اشک تمساح ریختن مردم را بفریبد؟ رهبر مرتجع جمهوری اسلامی نیز برای بازماندگان «دعا» کرد. این آدمکشان، زلزله را «آزمایش الهی» می دانند... برای کسانی که انگیزه و منفعتی در کاستن از مشقات مردم ندارند باید هم نابودی و بی خانمانی صدها هزار تن، امری طبیعی جلوه کند و با خونسردی آنرا «خدا خواسته» بخوانند....

مردم سراسر کشور در اوج بی اعتمادی به حکومت، از هر قشر و صنف دست به ایجاد مراکز جمع آوری کمک و امداد رسانی به زلزله زدگان بم زده اند. مردم خوب می دانند که نمی توانند امر امداد رسانی به مردم بم را به این تبهکاران واگذار کنند... در چنین شرایطی دانشجویان پیشرو و آگاه باید پیشقدم شده و با استفاده از ارتباطات سراسری دانشجویی به شکل گیری نهادها و ساختارهای امداد رسانی مردمی که کاملاً مستقل از حاکمیت و ارگانهای آن باشند (منجمله مجزا از انجمن های اسلامی) یاری رسانند. در تاریخ معاصر ایران، دانشجویان آگاه و عناصر پیشرو و مبارز در یاری رساندن به قربانیان زلزله ها و سیل ها و نیز آموختن از زندگی و روحیه و خصلت طبقات تحتانی و بردن آگاهی انقلابی به میان آنان، نمونه های خیره کننده ای از خود بر جای گذاشته اند. نقش دانشجویان و جوانان مبارز ضد رژیم در برانگیختن و سازماندهی همبستگی و تعاون مردمی در جریان زلزله بوئین زهرا، سیل جوادیه، زلزله شهر کرد، طیس و سیل خوزستان بیاد ماندنی است.

ده ها هزار کشته و زخمی و صدها هزار بیخانمان زلزله بم نخستین قربانیان فجایع طبیعی در ایران نیستند و آخرین نیز

نخواهند بود. مردم ایران نیز تنها کسانی در جهان نیستند که از اینگونه فجایع در رنجند. هر ساله صدها هزار تن از توده های

مردم زحمتکش خاصه در کشورهای عقب مانده و تحت سلطه امپریالیسم، قربانی زلزله، سیل و قحطی می شوند. این بیشک گونه ای از جدال مداوم بشریت با طبیعت و ناملایماتش است. اما در جامعه طبقاتی، مانع عمده در این جدال، طبقات استثمارگر و دولتهای آنهاست. تلفات جانی و مادی عظیم که در هر یک از این وقایع طبیعی به مردم وارد می شود مستقیماً به این مسئله مربوط است که منابع، امکانات، علوم و ثروتهای مادی در انحصار اقلیتی استثمارگر در سطح یک کشور و در سطح جهان است. این تلفات بخشی از کارکرد نظام سیاسی و اقتصادی سرمایه داری است. در دوران جاهلیت، بشر در مواجهه با نیروی قهر طبیعت دست به آسمان بلند می کرد و از یک نیروی ناموجود یاری می طلبید. اما اکنون بشر اسرار نهان زمین را کشف کرده و موفق شده نیروهای قهری طبیعت را مهار یا خنثی کند. توده های مردم با سرنگون کردن دولتهای ارتجاعی و با رها شدن از چنگال نظام بهره کشی انسان از انسان، می توانند آگاهانه و قدرتمند با بلایای طبیعی مقابله کنند. به سخن دیگر، برای محدود کردن ابعاد هولناک لطمات زلزله باید انقلاب کرد. دشمنان طبقاتی باید سرنگون شوند تا انرژی و قدرت خلاقه و مهارت و استعداد های مردم برای خدمت بخودشان، آزاد شود. توده های مردم تنها با داشتن قدرت سیاسی، با داشتن حکومتی که نماینده اراده و منافعشان باشد می توانند قدرت مخرب زلزله ها را خنثی کنند، خشکسالی را مغلوب و سیلها را مهار کنند.